

رثایی در مَرک مانی (۱)

سرود زیر که از متن پهلوی اشکانی ترفانی به فارسی برگردانده شده ، از جمله اوراق پراکنده ایست که در ترکستان چین پیدا شده اند . در این اوراق به چندین مرتبه در شهادت حضرت مانی (۲۷۶ - ۲۱۶ پس از میلاد مسیح) برمی خوریم که از برخی از آنها می توان تا حدودی به چگونگی وقوع این حادثه پی برد و از رویدادهای زمان رحلت پیامبر که شباهت زیادی به وقایع زمان وفات حضرت عیسی دارد ، آگاهی یافت . سرودی که در دستنویس M5 به خط بسیار زیبایی نوشته شده ، احتمالاً جزئی از کتابیست که شامل سرودهای گوناگونی در رثای حضرت مانی و مارزکو (۲) ، و مطالب دیگری از این قبیل بوده است . دستنویس مذکور ، صرف نظر از چندین سوراخ بی اهمیت و ساییدگی های کنار ورقه ، نسیب سالم مانده است . طول این ورقه ۱۸ و عرض آن ۱۰ سانتی متر است و پارهای از خطوط « روی ورقه » ساییده شده اند . سطح نوشته های هر صفحه $۱۴/۴ \times ۶$ سانتی متر مربع است . هر صفحه دو ستون سی سطری جداگانه را دربر می گیرد و هر سطر بطور متوسط $۲/۶$ سانتی متر طول دارد . عناوین این مجموعه که دستنویس M5 جزئی از آنست ، متناوباً با مرکب سرخ و سیاه به خط

۱- در تهیه این مقاله از پارهای نظریات « آندراس - هنینگ »

Mitteliranische F.C.Andreas-W. Henning مندرج در

Manichaica aus Chinesisch - Turkestan ، برلین

۳۴-۱۹۳۲ ، جلد سوم (برلین ۱۹۳۴) ، صفحه ۲۰ - ۱۷ ، استفاد

شده است .

۲- « مار » کلمه ایست سریانی به معنای « آقا ، سرور » که همچون

عنوانی برای پیشوایان دینی مانوی به کار میرفته است . اسقف های سریانی و

آسوری هنوز هم « مار » یا « ماری » باضمیر متکلم وحده خطاب می شوند .

Unziale زیبایی نوشته شده اند (۳). نقطه گذاری این دستنویس به صورت يك یا دو نقطه مدور سرخ است.

(روی ورقه - سرخ) سرود

(ستون اول) مرز زیرا رها کرد سرزمین مصر . قادر جاوید به نیایش ایستاد ، با « این » آفرین به پدر توسل جست که : « من زمین را پاك کردم و تخم را پراکندم و میوه های سرشار از زندگانی برایت آوردم . کوشک و منزلگاه خرم برای « بهمن » ، تو ساختم و گل گزیده در بوستان پر گل سر سبز کاشتم و تاج گل شادی بخش را پیش تو آوردم ، درختان رخشان را بارور کردم و راه را نمودم .

(ستون دوم) به پسران برومند . فرمان صوابت را که به خاطر آن به این جهان فرستاده شد ، به کمال به انجام رساندم . مرا به آرامش رهایی بخش عروج ده تا دیگر شکل دشمنان را نبینم ، صدای پر قدرت آنان را نشنوم . اینبار تاج گل بزرگ پیروزی را به من ده . « ایزد راستگر استغاثه اش را شنید . فرشتگان و هدایای بزرگی را فرستاد که : « گزیدگان خود را فرمان ده و به سوی آرامگاه جاوید عروج کن » . در چهارم شهریور ماه ، دو شنبه ، ساعت یازده .

(پشت ورقه سرخ) نیروانایی

(ستون اول) در حالی که آفرین می خواند ، لباس عادی تن را در آورد . بگونه آذرخش شتابان تایید . گردونه روشن تر از روشنائی « مهر - یزد » ، درخشید و فرشتگان آغاز سخن کردند و ایزد راستگر را درود دادند . آسمانخانه به طرف بیرون فرو ریخت ، زمین لرزید ، صدای بلندی شنیده شد و مردمانی که این نشان را دیدند ، آشفته گشتند و بسر روی صورت افتادند . روز دردناکی بود و زمان زاری ، هنگامی که فرستاده روشنائی به نیروانا رفت ، پیشوایانی را که حافظ دین اند ، به جا گذاشت و آنان را بدرود کرد گ

(ستون دوم) ان . شهریار ارجمند قولی را که به ما داده بود ، به انجام رسانیده که : « به خاطر شما ، در آن بالا ، در گردونه

۳- این خط که باحروف بزرگ مدور نوشته می شده ، توسط یونانیان در میان باستان بکار می رفته است .

آیین منتظر خواهم ماند و همواره برای شما یاری خواهم فرستاد . از آنجا که اینک صد و ده سال تمام از هنگامی که تو ، ای خداوند . به انجمن رامش عروج کرده‌ای ، سپری شده . حالا زمان آن رسیده که راستان را نجات دهی و این « گاه » خود را برتر افزای . بسیار شکیبیا خواهیم بود ، شبایان ، راستان ، گزیدگان ، مؤمنین و « نفوشاگان » . اندرز ایزدان را به یاد خواهیم داشت و . . .

اشارات :

(روی ورقه - ستون اول) چهار سطر از ابتدای این متن بکلی محو شده است و سه سطر بعد از آن نیز بواسطه ساییدگی‌های موجود مفهوم نیست . در متن اصلی صورت عبری واژه « مصر » به املاي *mycrym* آمده است . مراد از مصر معمولا « دنیای مادی » بوده است . رجوع کنید به کتابی که از « آندراس - هنینگ » نام برده شد ، جلد ۳ ، صفحه ۱۸ ، زیرنویس ۱ . - « قادر جاوید » اشاره به حضرت مانی است . همانجا ، ص ۱۸ ، ز ۲ . - صورت مکتوب واژه‌ای که به صورت « بهمن » ترجمه شده ، در متن اصلی *mnwhmyb* است . این صورت پارتی و در اصل بمعنای « اندیشه » است .

(روی ورقه - ستون دوم) « پسران برومند » را می‌توان « پسران بلندی » نیز ترجمه کرد ، همانجا ، ص ۱۸ ، ز ۴ . - منظور از « آرامش رهایی بخش » همان نیروانا یا عالم رهایی کل است . - عبارت « تا دیگر شکل دشمنان نبینم » را میتوان بصورت جایی که شکل دشمنان را نخواهم دید » ترجمه کرد ، همانجا ، ص ۱۸ ، ز ۵ . - منظور از واژه « اینبار » آنست که روح برخلاف زایش‌های پیشین آرامش پذیرفته به نیروانا برود و دیگر به این جهان مراجعت ننماید ، همانجا ، ص ۱۸ ، ز ۶ . مانویان معتقد بودند که روح نفوشاگان پس از مرگ از کالبد خود به کالبد دیگری داخل می‌گردد و این عمل تناسخ آنقدر ادامه می‌یابد تا روح آنان نیز مانند گزیدگان از هر جهت منزله گشته ، لایق ورود به نیروانا گردد و آرامش‌آبدی یافته ، از زایش‌های مکرر رهایی یابد . - جامعه مانوی دارای پنج طبقه بدین شرح بوده است :

طبقه اول شامل دوازده « فرستاده ، رسول ، طبقه دوم شامل هفتاد و دو « جاتلیق ، طبقه سوم شامل سیصد و شصت « مهست ، بزرگ ، طبقه چهارم شامل « گزیدگان » و طبقه پنجم شامل « نفوشاگان . نیوشایان ، شنوندگان » . طبقه اخیرالذکر که توده پیروان دین مانی را تشکیل می - دادند ، در خوردن گوشت مجاز بودند ، اختیار زن برایشان مباح بود و تهیه غذا برای طبقه « گزیدگان » در شمار وظایف عمده آنان بود . طبقه « گزیدگان » مجاز به اختیار زن و پیشه ، چیدن نباتات ، خوردن گوشت و نوشیدن شراب نبودند . ادای چهار وعده نماز روزانه . پرداخت زکاة و گرفتن روزه‌های ماهانه ، هرامه هفت روز ، در شمار وظایف کلیه طبقات بود . برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به « کریستن سن » *A Chistensen* کتاب *L'Iran sous les Sassanides* . چاپ اول ، کپنهاک ۱۹۳۶ ، فصل چهارم . و همچنین رجوع کنید به دستنویس M36 که در جلد دوم کتابی که از « آندراس - هنینگ » نام برده شد ، چاپ شده است ، ص ۳۲ و بعد از آن .

(پشت ورقه - ستون اول) در آوردن « لباس عادی تن » اشاره به جدا شدن روح از بدن و تهی شدن قالب است . در کتاب یاد شده از « آندراس - هنینگ » به جای واژه « عادی » واژه « حیرت‌انگیز » در ترجمه آلمانی آمده است . دکتر بدری قریب مرا متوجه کرد که « هنینگ » بعدها از معنای « حیرت‌انگیز » به « عادی ، معمولی » عدول کرده است (*Brahman* ، ص ۱۱۰) . - در ترجمه فوق‌الذکر آلمانی به جای « مهریزد » واژه « خورشید » آمده است .

در متن اصلی *myhryzd* نوشته شده است . مهریزد یکی از پنج ایزدست که به‌منظور کمک به اورمزد توسط « زروان » به زندگی خوانده شده است . - عبارت « آسمانخانه به طرف بیرون فرو ریخت » در ترجمه فوق‌الذکر آلمانی (جلد سوم ، ص ۱۹ ، و همچنین زیرنویس ۶) به دو صورت « خانه آسمان تاریک شد » و « خانه آسمان به طرف بیرون فرو ریخت » آمده است .

واژه‌ای که در ترجمه آلمانی به صورت « آسمان » ترجمه شده ، در متن اصلی « آسمانگ » (*'sm'ng*) است . دکتر بدری قریب مرا متوجه کرد که واژه « آسمانه » در فارسی به معنای « سقف‌خانه » نیز آمده است .

اینجانب واژه « آسمانخانه » به معنای « سقف : آسمانه » را در ترجمه حاضر ترجمیح داده است .

نکته دیگر که با قید احتیاط تمام می‌خواهم اضافه کنم آنست که در ادبیات کلاسیک فارسی ترکیب « خانه آسمان » دیده نشده است . ترجمه « خانه آسمان تاریک شد » به نظر اینجانب با جمله بعد که حاکی از « لرزش زمین » است ، تناسب چندانی ندارد .

در ترجمه آلمانی بیشتر به گزارشات اناجیل توجه شده است . این قسمت شباهت زیادی به بخش‌هایی از اناجیل لوقا ، مرقس و متی دارد که وقایع زمان شهادت حضرت عیسی را شرح می‌دهد . در قفره سی و سه از باب پانزدهم انجیل مرقس چنین آمده است :

« و چون ساعت ششم رسید تا ساعت نهم تاریکی زمین را فرا گرفت . »
 همچنین نگاه کنید به قفره چهل و پنجم از باب بیست و هفتم انجیل متی .
 در فقرات چهل و چهارم و چهل و پنجم از باب بیست و سوم انجیل لوقا نیز از این حادثه سخن رفته است : « و تخمیناً از ساعت ششم تا ساعت نهم ظلمت تمام روی زمین را فرا گرفت . و خورشید تاریک گشت و پرده قدس از میان بشکافت . » - در خصوص « لرزش زمین » در قفره پنجاه و یکم از باب بیست و هفتم انجیل متی می‌خوانیم : « . . . و زمین متزلزل و سنگها شکافته گردید . » و همچنین نگاه کنید به همانجا . قفره پنجاه و چهارم .
 رجوع کنید به کتاب نامبرده از « آندراس - هنینگ » جلد ۳ ، ص ۱۹ ، ز ۷ . - مراد از « صدای بلند » احتمالاً صدای خود حضرت مانی است که در هنگام رحلت ، مانند حضرت عیسی ، خداوند را به یاری طلبیده است . در قفره چهل و ششم از باب بیست و سوم انجیل لوقا می‌خوانیم : « و عیسی به آواز بلند صدا زده گفت ، ای پدر ، روح خود را به دستهای تو می‌سپارم . . . »
 در فقرات سی و چهارم سی و هفتم از باب پانزدهم انجیل مرقس نیز چنین آمده است :

« و در ساعت نهم عیسی به آواز بلند ندا کرده گفت ایلوثی ایلوثی
 لما سیقتنی یعنی الهی الهی چرا مرا واگذاری ؟ . . . پس عیسی آواز
 بلندی بر آورده جان بداد . » و همچنین نگاه کنید به فقرات چهل و ششم و پنجاهم از باب بیست و هفتم انجیل متی . رجوع کنید به کتاب یاد شده از

« آندراس - هیننگه » ، جلد ۳ ، ص ۱۹ ، ز ۸ - « آشفته شدن مردم »
 را مقایسه کنید با فقره پنجاه و چهارم از باب بیست و هفتم انجیل متی . نگاه
 کنید به کتاب فوق‌الذکر : جلد ۳ ، ص ۱۹ ، ز ۹ . - در متن پهلوانی :
 « روز دردناکی است » . - مراد از « فرستاده روشنایی » حضرت مانی است .
 (پشت ورقه - ستون دوم) « شهریار ارجمند » اشاره به حضرت مانی است . -
 « گردونه آیین » در اینجا کنایه‌ایست از کره « ماه » . نگاه کنید به کتاب
 اخیرالذکر ، جلد ۳ ، ص ۱۹ ، ز ۱۱ . - رقم صد و ده « نشان می‌دهد
 که تاریخ سرایش این سرود سال ۳۸۶ پس از میلاد مسیح بوده است . از
 همانجا می‌توان به تاریخ سرایش سرودهای پهلوانی پی برد و بخصوص زمان
 ورود واژه‌های هندی - بودایی را به زبان پهلوانی مشخص ساخت . نگاه کنید
 به کتاب اخیرالذکر ، جلد ۳ ، ص ۲۰ ، ز ۱ . - منظور از « گاه خود
 را برتر افرازی » آنست که « پس از پایان دنیا تخت سلطنت خود را در
 بهشت نورانی قرار دهی » . کتاب اخیرالذکر ، جلد ۳ ، ص ۲۰ ، ز ۲ . -
 « شبابان » اشاره به رهبران دینی است که توده مردم را هدایت و حمایت
 می‌کنند . این اصطلاح در سایر ادیان هم به همین مفهوم به کار رفته است .
 حضرت زردشت نیز در « یسن » Yasna (فقره سیزدهم از « ها » بیست و
 هفتم و همچنین فقره چهاردهم از « ها » نوزدهم) با همین عنوان نامیده
 شده است . - در ترجمه فوق‌الذکر آلمانی « شبانان راستین ، گزیدگان
 اندوه‌گین » آمده است ، جلد ۳ ، ص ۲۰ .

